





## مقدمه

از پرسش‌های مهم بشر در طول تاریخ این بوده است که "چرا جنگ؟" (فروید، ۱۹۳۲) و "چرا معضل تعاون داریم؟" (سسیل نورث، ۱۹۸۱). فروید (۱۹۳۰) معتقد بود که از میان سه رنج بزرگ آدمی، ارتباط با دیگران همواره بزرگترین رنج بشر در طول تاریخ بوده است. به نظر می‌رسد به رغم ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آدمی برای تعاون، تعامل و ارتباط اثربخش در جهت همدلی، مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز با هم نوعان خود، هنوز سوء تفاهم، درگیری، جنگ و پرخاشگری در سطوح خرد و کلان و پنهان و آشکار، قابل مشاهده است. یکی از دلایل این غلبه، نفوذ فلسفه آرمانگرایی<sup>۱</sup> به جای فلسفه ترکیبی<sup>۲</sup> است. از آنجایی که راهبرد اصلی فلسفه آرمانگرایی، تشابه، و راهبرد اصلی فلسفه ترکیبی، تکثر است (هریسون و برامسون، ۲۰۰۲)، تداوم چنین فلسفه‌های همانا ترغیب رویکرد "دانایی" به جای "نادانی" در ارتباطات میان فرهنگی است. در رویکرد دانایی، احساس می‌کنیم که همه چیز را می‌دانیم پس به ذهنهای دیگران نیازی نداریم و واقعیت بایستی به قامت اندیشه ما درآید، و دیگران بایستی مانند ما ببینند و احساس کنند. در صورتی که در رویکرد نادانی، اساس بر خرد جمعی است و اینکه بدانیم که همه چیز را نمی‌دانیم بلکه به ذهنهای دیگران نیز نیازمندیم. چنین رویکردی زمینه‌ساز هجرت از "انسان اقتصادی" به "انسان فرهنگی" و به تبع آن بسط سواد میان فرهنگی است. انسانی که احترام به دیگران را نه بر پایه منافع شخصی و دریافت خیر از سوی دیگری، بلکه ارائه خیر به دیگری تعریف می‌نماید، که یکی از اولویتهای امروز جامعه ایران است. انسان فرهنگی که رسالتش ایجاد همدلی از طریق پاسخ به دو سوال است: "آیا باورهایم مورد پذیرش و نقد اعضاء جامعه می‌باشد؟" "آیا می‌توانم از دریچه چشم دیگران به مسائل نگاه کنم؟"

متخصصان بر این باورند که چنین انسانی که در جریان ارتباطات انسانی، توانایی و قابلیت شناخت و فهم ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی دیگران را دارند، صاحب "هوش فرهنگی"<sup>۳</sup> هستند (ارلی و انگ، ۲۰۰۳).

در بسیاری از موارد همانند دنیای کسب و کار و اقتصاد و یا فضای علمی و دانشگاهی و یا رهبری و مدیریتی، لازم است افراد برای جذب مشتری و یا اقناع دیگران و یا رهبری منسجم و مدیریت اثربخش سایر افراد و گروه‌ها، از قابلیت‌های هوشی خاصی استفاده کنند، به گونه‌ای که با شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات روحی و روانی و فرهنگی افراد مقابل و چارچوب تفکرات آن‌ها می‌توان راحت‌تر و ساده‌تر به ایجاد ارتباط و درک متقابل رسید و از این طریق به مقاصد علمی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و سیاسی خود دست پیدا کرد.

با توجه به آنچه گفته شد پرسشی که مطرح می‌باشد این است که "آیا هوش فرهنگی در برنامه درسی یک مساله نیست؟"

## بیان مسأله

جامعه بزرگترین سازمان اجتماعی است که افراد خود را متعلق بدان می‌دانند. هسته اصلی و عامل شکل‌گیری، حفظ و دوام این سازمان بزرگ را کنش‌های متقابل و تعاملات اجتماعی مستمر و الگو مند افراد در عرصه‌ها و سطوح مختلف تشکیل می‌دهد. در هر جامعه شبکه‌های گسترده و متنوعی از کنش متقابل درونی و بیرونی (ارتباط با سایر جوامع) وجود دارد که بدون آن، حیات اجتماعی و دوام آن غیر ممکن خواهد شد. هر کنش متقابل در مقام تحقق به مجموعه‌ای از زیر ساخت‌ها و مبانی مشترک متکی است که خود نیز تدریجاً در شکل‌گیری و تعدیل آنها نقش آفرینی می‌کند. وجود مجموعه‌ای از اطلاعات، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، نمادها، هنجارها و الگوهای مشترک که تحت عنوان فرهنگ قرار دارند، بنیادی‌ترین مقومات کنش اجتماعی محسوب می‌شوند. جوامع بشری به یمن دستیابی به فناوریهای مدرن ارتباطی و مواصلاتی و حذف بسیاری از موانع و محدودیت‌های فیزیکی و فرهنگی پیشین و نیز تحت تاثیر تجربیات ناشی از ارتباطات متقابل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نیز درک ضرورت کارکردی ارتباط و تعامل به عنوان یک نیاز اجتناب ناپذیر، به طور فزاینده‌ای به یکدیگر نزدیک شده و نوع خاصی از بودن و شدن را تجربه می‌کنند (کونگ، ۱۳۸۹).

از هنگامی که اصطلاح دهکده جهانی<sup>۴</sup> توسط مک لوهان ابداع شد، ارتباطات فرهنگی، مساله‌ای مهم در زیست جهان انسانی را به خود اختصاص داد. جایی که زندگی قبیله‌ای پایان و مفهوم جامعه آغاز می‌شود. نه دهکده بزرگ جهانی که خصوصیات

<sup>۱</sup> -Idealism

<sup>۲</sup> - Synthesis

<sup>۳</sup> -Cultural Intelligence

<sup>۴</sup> -Global village



قبیله‌ای را در مقیاس وسیعتر محفوظ می‌دارد بلکه دهکده‌ای که با درک و فهم دیگری و با سعه صدر به تفاوتها احترام گذاشته و نقادی یکدیگر را بخشی از رشد ظرفیت‌های انسانی تعریف می‌کند.

این ظرفیت‌ها ناشی از این است که آدمی مهارت‌های شناختی گوناگونی دارد که یکی از آنها هوش فرهنگی است که جزء مهارت‌های اجتماعی-شناختی قرار می‌گیرد (هرمن، کال، لوردا و توماسلو، ۲۰۰۷). یکی از توانایی‌هایی که انسان را از سایرین متمایز می‌کند، مهارت تعامل مؤثر در فرهنگ‌های گوناگون است، این موضوع آنگاه اهمیتش دوچندان می‌شود که فضای جهانی با رشد بسیار سریع و ارتباطات همراه می‌باشد و این در حالی است که انسان‌ها بر روی کره زمین دارای ده‌ها فرهنگ و خرده فرهنگ خاص خود می‌باشند، که به هنگام ارتباط علمی، فرهنگی، هنری و اقتصادی می‌تواند باعث سوء تفاهم، عدم درک کلامی و غیر کلامی و بروز رفتار نامناسب در ارتباط گردد (تسلیمی و همکاران، ۱۳۸۸).

رشته مطالعات اجتماعی پیوند نزدیکی با مقوله فرهنگ و به تبع آن با هوش فرهنگی و ایجاد یک ارتباط مؤثر و تعامل مثبت با سایر انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف دارد، به بیان دیگر رشته مطالعات اجتماعی توانایی ارتقاء "سواد میان فرهنگی" در بین آحاد جامعه را دارد.

در این میان برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی، ظرفیت و قابلیت بالایی برای پرورش هوش فرهنگی برخوردار است، که خود این امر نیز زمینه ساز تعامل اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی و درک درستی از تفاوت‌ها به دست می‌دهد. برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی می‌تواند از طریق پرورش هوش فرهنگی زمینه تجربه تکثر فرهنگی را فراهم ساخته و به یادگیرندگان کمک نماید تا درک بهتری از خود به عنوان فرد و نیز عضوی از جامعه به دست آورد (ایونز، فیتون، هیلدبرند، ۲۰۰۶).

آگاهی از فرهنگ‌های مختلف، باعث شده تا اهمیت ارتباطات فرهنگی و شناخت الگوهای فرهنگی سایر ملل و آداب و رسوم دیگر اقوام برای افراد جامعه خصوصاً افراد تحصیل کرده دوچندان گردد. این توانایی در میان پژوهشگران تحت عنوان موضوعی به نام هوش فرهنگی مطرح می‌باشد که رسالتش افزایش قابلیت و توانمندی افراد در جهت فهم و عملکرد مناسب در میان طیف گسترده‌ای از فرهنگ‌ها را می‌دهد (توماس، ۲۰۰۶).

بنابراین در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی و همدلی و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از طلاق، مشاجرات و درگیری‌های قومی و مذهبی و کاهش سوء تفاهم‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، پژوهش حاضر سعی دارد تا جایگاه هوش فرهنگی را در برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان که در آینده مجریان برنامه درسی خواهند بود ارزشیابی نماید. حال اگر برنامه درسی مشتق از فرهنگ است (بنت و آنروز، ۱۹۶۹) پس بایستی تکثر فرهنگی را به نمایش بگذارد نه تحت سلطه گروهی خاص باشد (اپل، ۲۰۰۴).

### مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین

درک این موضوع بسیار مهم شده است که چرا عملکرد بعضی از افراد در محیط‌هایی که دارای تنوع فرهنگی است بسیار مؤثرتر و بهتر از دیگران است (اریز و ارلی، ۱۹۹۳، الفند، اریز و آیکن، ۲۰۰۷). در پاسخ به این نیاز، ارلی و انگ در سال (۲۰۰۳) از نظریه چندبعدی هوش استرنبرگ و دترمن (۱۹۸۶) به تعریف و توسعه مفهومی به نام «هوش فرهنگی» پرداختند و آن را توانایی و قابلیت مؤثر افراد برای عملکرد مناسب و مؤثر در شرایط متفاوت فرهنگی تعریف کردند (انگ و ون‌داین، ۲۰۰۸). همچنین پیترسون (۲۰۰۴) منشاء هوش فرهنگی را هوش چندگانه معرفی می‌کند و می‌نویسد: "از گاردنر و گلنن یاد گرفتیم که هوش فرهنگی را در نظر بگیریم؛ بنابراین، هوش فرهنگی یک موضوع منحصر به فرد و حیاتی است که از جنبه‌های مختلف، از هوش چندگانه گاردنر نشأت می‌گیرد."

هوش فرهنگی در راستای هوش عاطفی و اجتماعی است. هوش عاطفی فرض می‌کند که افراد، با فرهنگ خود آشنا هستند، بنابراین برای تعامل با دیگران از روش‌های فرهنگ خودی استفاده می‌کنند؛ هوش فرهنگی جایی نمود می‌یابد که هوش عاطفی ناتوان است یعنی در جایی که با افرادی در محیط‌های ناآشنا سروکار داریم (ارلی و موساکوفسکی، ۲۰۰۴).

از آنجا که هنجارها برای تعاملات اجتماعی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت می‌باشد، لذا به نظر نمی‌رسد که هوش شناختی به تنهایی بتواند در سازگاری یا در عملکرد مؤثر افراد در فرهنگ‌های ناآشنا موفق باشد (انگ و ون‌داین، ۲۰۰۸). مفهوم هوش فرهنگی برای نخستین بار توسط ارلی و انگ (۲۰۰۳) از محققان مدرسه اقتصادی لندن مطرح شد. این دو، هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده‌اند (بنتون، ۲۰۰۹). هوش فرهنگی یک تئوری گسترده‌ای است که از رویکردهای معاصر در خصوص درک هوش می‌باشد (ارلی و انگ، ۲۰۰۳). هوش فرهنگی به صورت توانایی عملکرد مؤثر در محیط‌های متنوع فرهنگی تعریف می‌شود، به

<sup>۱</sup> - Thomas, D. C



طور سنتی مطالعه بر روی هوش، بر روی عامل (G) یا عامل شناختی هوش تمرکز داشته است اما بیشتر تحقیقات اخیر صورت گرفته بر روی تئوری چندگانه هوش (استرنبرگ ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰) که بر قابلیت تطابق با دیگران است می‌باشد (ون داین، انگ و گه، ۲۰۰۶). ارلی و انگ معتقد بودند در مواجهه با موقعیت‌های فرهنگی جدید، به زحمت می‌توان علائم و نشانه‌های آشنایی یافت که بتوان از آن‌ها در برقراری ارتباط سود جست. در این موارد، فرد باید با توجه به اطلاعات موجود، یک چارچوب شناختی مشترک تدوین کند، حتی اگر این چارچوب درک کافی از رفتارها و هنجارهای محلی نداشته باشد. تدوین چنین چارچوبی تنها از عهده کسانی بر می‌آید که از هوش فرهنگی بالایی برخوردار باشند (نائیجی و عباسعلی زاده، ۱۳۸۶). از آن جایی که هوش فرهنگی توانایی رفتار به شیوه‌ای مناسب در موقعیت‌های دارای تنوع فرهنگی می‌باشد، می‌توان آن را جز مؤلفه‌های اصلی در ارزیابی شایستگی فرهنگی قلمداد کرد. هوش فرهنگی یک قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در موقعیت‌هایی دانسته شده است، که از تنوع فرهنگی برخوردارند، این تعریف با رویکردهایی که هوش را یک توانایی شناختی می‌دانند، توافق بیشتری دارد (ارلی و پیترسون، ۲۰۰۴). بنابراین، هوش فرهنگی یک نوع مکمل هوش است که می‌تواند تغییرپذیری در فائق آمدن با تنوع و کار کردن در شرایط فرهنگی جدید را توصیف کند (ون داین و انگ، ۲۰۰۸).

مطابق با این تعریف، در واقع هوش فرهنگی با تمرکز بر قابلیت‌های خاصی که برای ارتباطات اثربخش در شرایط فرهنگی مختلف لازم است، بر جنبه‌ای دیگر از هوش شناختی تمرکز دارد. هوش فرهنگی همچنین بینش‌های فردی را در بر می‌گیرد که برای انطباق با موقعیت‌ها و تعاملات میان فرهنگی و حضور موفق در گروه‌های کاری چند فرهنگی مفید است (پیترسون، ۲۰۰۴).

هوش فرهنگی توانایی چالش در یک موقعیت رفتاری است که باعث استفاده از مهارت‌ها (مثل زبان و مهارت‌های میان فردی) و ویژگی‌ها (نظیر حد تحمل ابهام و انعطاف پذیری) شده و منجر به تنظیم مناسب رفتار شخص بر مبنای ارزش‌های پایه فرهنگی و نگرش شخص مقابلی که در حال تعامل با او هستیم می‌شود (پیترسون، ۲۰۰۴).

هوش فرهنگی نوعی از هوش است که ارتباط بسیار زیادی با محیط کاری متنوع دارد. توانایی فرد برای تطبیق با ارزش‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم متفاوت از آن چه که در زمینه فرهنگی خود به آن عادت کرده است و کار کردن در یک محیط متفاوت فرهنگی، معرف هوش فرهنگی است. هوش فرهنگی شکل ویژه‌ای از هوش است که بر توانایی افراد بر درک و فهم دقیق در شرایط مشخص و محیط‌های متنوع تاکید می‌کند (انگ و ون داین، ۲۰۰۸). که همانند هوش عاطفی (EQ) مکملی برای هوش شناختی می‌باشد و هر دو برای کسب موفقیت در کار و ارتباطات شخصی مهم هستند و به طور فزاینده‌ای در جهان به یکدیگر وابسته می‌باشند (ارلی ۲۰۰۲ به نقل از انگ و ون داین، ۲۰۰۸).

از این رو، هوش فرهنگی دامنه‌ی جدیدی از هوش است که ارتباط زیادی با محیط‌های کاری متنوع دارد. عده‌ای هم این نوع از هوش را یک نوع شایستگی چند وجهی می‌دانند که شامل دانش فرهنگی، عمل متفکرانه و همچنین فهرستی از مهارت‌های رفتاری است (توماس و اینکسون، ۲۰۰۴). تحقیقات نظری نشان دادند که هوش فرهنگی یک مفهوم چند بعدی است که شامل فراشناخت، شناخت، انگیزش و ابعاد رفتاری است (ون داین و انگ، ۲۰۰۸).

#### مؤلفه‌های هوش فرهنگی

فئولا (۲۰۰۹)، ارلی و انگ (۲۰۰۳) و انگ، ون داین و گه (۲۰۰۷ و ۲۰۰۶) هوش فرهنگی را به چهار مؤلفه (فراشناخت فرهنگی، شناخت فرهنگی، رفتار فرهنگی و انگیزش فرهنگی) تقسیم نمودند.

#### فرا شناخت فرهنگی:

به فرایندهای ذهنی‌ای اشاره می‌کند که افراد برای درک و فهم اطلاعات فرهنگی استفاده می‌کنند و شامل شناخت و کنترل فرایندهای عقلانی مرتبط با فرهنگ افراد می‌باشد که شامل برنامه‌ریزی، کنترل و بررسی مجدد مدل‌های ذهنی هنجارهای فرهنگی برای کشورها یا گروه‌هایی از مردم می‌شود (انگ، ون داین، گه، ۲۰۰۷). بنابراین، فراشناخت هوش فرهنگی شامل سطوح بالای راهبردهای شناختی که به افراد اجازه می‌دهد نقش‌های جدید خود را به هنگام تعاملات اجتماعی در محیط‌های فرهنگی جدید، گسترش دهند (انگ و ون داین، ۲۰۰۸).

#### شناخت فرهنگی



مؤلفه‌ی شناختِ هوش فرهنگی؛ به دانش در خصوص قوانین، تجارب، و عرف در فرهنگ‌های مختلف که به وسیله آموزش و تجارب افراد بدست می‌آید، اشاره دارد (انگ و ون‌داین، ۲۰۰۸). و شناخت هنجارها، کارها، آداب و رسوم در فرهنگ‌های مختلف به دست آمده از تجربیات آموزشی و فردی را نشان می‌دهد. شامل شناخت سیستم‌های اقتصادی، قانونی و اجتماعی فرهنگ‌های مختلف و شناخت معیارهای اساسی ارزش‌های فرهنگی می‌شود (انگ، ون‌داین و که ۲۰۰۷ و ۲۰۰۶).

### رفتار فرهنگی

قابلیت فرد برای سازگاری با آن دسته از رفتارهای کلامی و غیر کلامی را در بر می‌گیرد که برای برخورد با فرهنگ‌های مختلف مناسب است (انگ، ون‌داین و که، ۲۰۰۷). در نتیجه افراد با هوش فرهنگی بالا می‌توانند رفتارهای خود را، در تعاملات به هنگام برخورد با فرهنگ‌های متفاوت، به خوبی تنظیم کنند. در شرایط برخورد و تعامل بین فرهنگی، رفتارهای غیرکلامی یک جزء بسیار مهم می‌باشند زیرا که همانند یک زبان خاموش عمل می‌کنند و در انتقال معنا بسیار ظریف و پنهانی عمل می‌نمایند و از آنجا که هوش فرهنگی انعطاف‌پذیر است می‌توان آن را از طریق آموزش و تربیت و تجربه یادگیری افزایش داد (انگ و ون‌داین، ۲۰۰۸).

### انگیزش فرهنگی:

نشان دهنده علاقه فرد به آزمون فرهنگ‌های دیگر و تعامل با افرادی از فرهنگ‌های مختلف است (انگ و ون‌داین و که، ۲۰۰۷). توانایی هدایت توجه، علاقه و انرژی افراد برای یادگیری و عملکرد به شیوه‌های مؤثر در موقعیت‌هایی که با تفاوت‌های فرهنگی مشخص می‌شوند را منعکس می‌کند. برخورداری از هوش فرهنگی برای معلمان در هر سیستم آموزشی نیازی ضروری است که می‌تواند، برای دستیابی به ارزش‌های مشترک و به منظور نیل به بهترین اهداف آموزشی و تقویت یک جامعه متنوع، به آن کمک کند (انگ، ون‌داین و که ۲۰۰۷ و ۲۰۰۶).

### جدول ۱. خلاصه نتایج تحقیقات دانشمندان داخلی و خارجی در خصوص موضوع

نام محقق	سال	موضوع	نتایج
مشبکی و راموز	۱۳۸۵	هوش فرهنگی اکسیر موفقیت مدیران	اطلاعات و دانش مدیران از دیگر فرهنگ‌ها در حد متوسط و شاخص رفتار فرهنگی آنان در حد پایین است
هادی زاده مقدم و حسینی کاظمی	۱۳۸۷	رابطه بین هوش فرهنگی و اثربخشی گروهی	بین اثربخشی گروهی و هوش فرهنگی رابطه معنادار وجود دارد
	۱۳۸۷	بررسی ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان جامعه المصطفی العالمیه	بین ابعاد هوش فرهنگی (فراشناختی، شناختی، انگیزشی، رفتاری) و عملکرد کارکنان ارتباط وجود دارد
عراقیه و همکاران	۱۳۸۸	تلفیق، راهبردی مناسب برای برنامه تدریس چند فرهنگی	مغفول بودن برنامه درسی آموزش عالی کشور به موضوع سیاست قومی و چند فرهنگی در ایران،
تسلیمی و همکاران	۱۳۸۸	ارائه راهکارهایی برای ارتقاء هوش فرهنگی مدیران دولتی	افزایش کارگاههای آموزشی-تقویت تورهای بین المللی کاری
ون داین و آنگ	۲۰۰۵	بررسی رابطه بین شخصیت افراد و چهار مؤلفه هوش فرهنگی	بین وظیفه شناسی با بعد فراشناختی هوش فرهنگی و شادابی و ثبات عاطفی با جنبه‌ی رفتاری هوش فرهنگی ارتباط معنی داری دارد
تای و همکاران	۲۰۰۶	هوش فرهنگی انگیزشی، پیش نمایش واقع بینانه شغلی	رابطه مثبت بین هوش فرهنگی انگیزشی و هر سه نوع تطبیق پذیری وجود دارد
مارگارت	۲۰۰۷	رفتار تطبیقی در محیط‌های بین فرهنگی	برون گرایی و وجدان کاری و سازگاری و گشودگی به طور مثبت با مؤلفه‌های فراشناختی، رفتاری و انگیزشی هوش فرهنگی ارتباط مثبت داشته است
انگ	۲۰۰۷	هوش فرهنگی: سنجش و تأثیراتش بر قضاوت و	هوش فرهنگی فراشناختی و شناختی با اثربخشی قضاوت و



تصمیم‌گیری فرهنگی	تصمیم‌گیری فرهنگی		
تصمیم‌گیری فرهنگی، ارتباط مثبت دارد و هوش فرهنگی فراشناختی و هوش فرهنگی رفتاری با عملکرد شغلی، ارتباط مثبت و معنی‌دار داشته است			
ماریو	۲۰۰۷	محک‌وبررسی هوش فرهنگی و هوش عاطفی در بهبود مهارت‌های رهبری تحول‌آفرین جهانی	بین مهارت‌های بعد فردی (انگیزشی و رفتاری) هوش فرهنگی و مهارت‌های بعد فردی رهبری تحول‌آفرین (رهبری کاربزماتیک و انگیزش و توانایی نفوذ) ارتباط وجود داشته است
دراری و زیدمن	۲۰۰۷	رابطه هوش فرهنگی و عدم اطمینان محیطی	که هوش فرهنگی اهمیت و کاربرد بسیار زیادی در شناخت و ارزیابی عدم اطمینان تجاری بین‌المللی دارد.
ون داین و انگ	۲۰۰۷	هوش فرهنگی و میزان تأثیر آن بر سازگاری، تصمیم‌گیری، انطباق فرهنگی و عملکرد وظیفه‌ای	ابعاد استراتژی و رفتار هوش فرهنگی بر عملکرد وظیفه‌ای فرد تأثیر گذار است و ابعاد استراتژی و دانش هوش فرهنگی بر قضاوت فرهنگی و تصمیم‌گیری فرد تأثیر گذار است
کری	۲۰۰۸	روابط بین هوش اجتماعی، هوش عاطفی و هوش فرهنگی و افشاء فرهنگی	هوش فرهنگی، هوش اجتماعی و هوش عاطفی ساختارهایی متفاوت و مجزا هستند. ساختار هوش فرهنگی یک زیر مجموعه از هوش اجتماعی است
ون دریل	۲۰۰۸	هوش فرهنگی یک ضرورت اورژانسی در ساختار سازمانی	هوش فرهنگی سازمانی رابطه مثبتی با اثربخشی سازمانی و عملکرد سازمانی دارد.
لیور مور	۲۰۱۰	پیشرو با هوش فرهنگی راز موفقیت جدید	مؤلفه‌های انگیزشی و دانشی هوش فرهنگی در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها در ساختار و جایگاه آموزش هوش فرهنگی در اولویت هستند

خوشبختانه یافته‌های نشان دهنده اکتسابی بودن هوش فرهنگی دارد (تان، ۲۰۰۴). از طرفی خود معلمان به منظور پیشبرد اهداف آموزشی در هر روز بایستی تعاملات زیادی با دانش‌آموزان خود دارند. از آنجایی که معلمان این تصمیم‌گیری‌ها را انجام می‌دهند، آن‌ها بایستی از نیازهای متنوع و پیشینه‌های گوناگون فرهنگی دانش‌آموزانشان آگاه باشند، مخصوصاً با وجود این واقعیت که جمعیت دانش‌آموزانی که از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های گوناگون هستند در حال افزایش است (کلیر، ۲۰۰۸). و تنها از طریق آموزش مطالعات اجتماعی است که افراد با محیط جامعه، ارزش‌ها، فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی، و مسئولیت‌های خود نسبت به دیگران آشنا می‌شوند. هیچ یک از مواد درسی همچون مطالعات اجتماعی نمی‌تواند به تحقق این هدف‌ها کمک کند (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۸۳).

### روش انجام تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی است. برای پاسخ به سوالات تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی و روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد.

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد مطالعه شامل، کلیه کتاب‌های رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان و کلیه دانشجویان و مدرسان رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان کشور در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود. گروه نمونه مورد پژوهش، شامل کلیه دانشجویان و اساتید رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان شهر شیراز به تعداد ۱۱۰ نفر (۸۱ مرد و ۲۹ زن) و همچنین کلیه کتاب‌های تخصصی درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان به تعداد ۸ جلد بود.



### ابزار پژوهش

به منظور جمع آوری اطلاعات برای سنجش هوش فرهنگی دانشجویان و اساتید رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، از مقیاس چهار عاملی (شناختی، فراشناختی، انگیزشی و رفتاری) ارلی و انگ (۲۰۰۳) استفاده شد. در قسمت تحلیل محتوا نیز ابزار جمع آوری اطلاعات، جدول کدگذاری (جدول فهرست واری) بر اساس شاخص‌های هوش فرهنگی استفاده شد. برای این منظور، از آنجا که مقوله بندی<sup>۱</sup> خاصی تا قبل از این تحقیق در حوزه‌ی تحلیل محتوای هوش فرهنگی صورت نگرفته است و از آنجا که لازمه‌ی تعیین مقوله‌ها و کدگذاری آنها تعیین شاخص‌ها بود؛ لذا با مطالعه منابع پژوهش و نظر متخصصان و استادان رشته مطالعات اجتماعی و بر اساس تعریف عملیاتی از هوش فرهنگی به ارائه شاخص‌هایی در خصوص هوش فرهنگی و مؤلفه‌های آن پرداخته شد.

### جدول ۲. شاخص‌های اصلی و معانی مرتبط با آنها در حوزه هوش فرهنگی

شاخص‌های اصلی	شاخص‌های فرعی (هم معنی و همسان)
انگیزش فرهنگی	انگیزش، همدلی، نیاز اجتماعی.
فراشناخت فرهنگی	استدلال، حل مسأله، راه حل، برنامه‌ریزی، کنترل مجدد، نظارت، خودبازیابی، موازنه، محیط ناآشنا، سعه صدر، مدارا، تحمل عقاید مخالف، ذهن باز، پذیرش نظرات و عقاید، دیدگاه‌های متفاوت و متکثر، خرد جمعی، درک و فهم، تفکر انتقادی، تفکر، انتقاد فرهنگی، تحمل، انعطاف پذیری، اقناع، گشودگی، خلاقیت فرهنگی.
شناخت فرهنگی	کسب دانش، سواد میان فرهنگی، دانش فرهنگی، عدم تعصب، فرهنگ خودی، انتقال فرهنگی، عوامل فرهنگی، ارزش فرهنگی، موقعیت فرهنگی، شایستگی فرهنگی، شرایط فرهنگی، الگوهای فرهنگی، سنت آداب و رسوم، فرهنگ خرده فرهنگ، چند فرهنگی، تنوع قومی، شناخت احساسات، عواطف، ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی.
رفتار فرهنگی	سازگاری، جذب و انطباق، رفتار هوشمندانه، تجربه قبلی، عملکرد موثر، توافق، تعامل میان فرهنگی، تعاون، مشارکت، تعامل اجتماعی، ارتباط فرهنگی.

در ادامه، مجموع فراوانی شاخص‌های مرتبط با هوش فرهنگی و چهار مؤلفه آن در چهار مقوله دسته‌بندی شد و سپس کدگذاری گردید.

### جدول ۳. مقوله بندی و کد گذاری شاخص‌های مربوط به هوش فرهنگی

ردیف	مقوله‌ها	کد
۱	۱- اول: تأکید بر میل و اشتیاق به پذیرفتن و احترام به سایر فرهنگها (شاخص‌های اصلی و فرعی انگیزش هوش فرهنگی)	کد ۱
۲	۲- دوم: تأکید بر شناخت فرهنگ خودی و خود آگاهی و شناخت احساسات و عواطف خود (شاخص‌های اصلی و فرعی شناخت هوش فرهنگی).	کد ۲
۳	۳- سوم: تأکید بر فراشناخت و برنامه ریزی و کنترل مجدد اطلاعات فرهنگی به هنگام تعامل با افرادی با فرهنگ متفاوت (شاخص‌های اصلی و فرعی فراشناخت هوش فرهنگی).	کد ۳
۴	۴- مقوله چهارم: تأکید بر تغییر رفتار و بروز رفتار مناسب به هنگام برخورد با افراد با فرهنگهای مختلف (شاخص‌های اصلی و فرعی رفتار هوش فرهنگی).	کد ۴



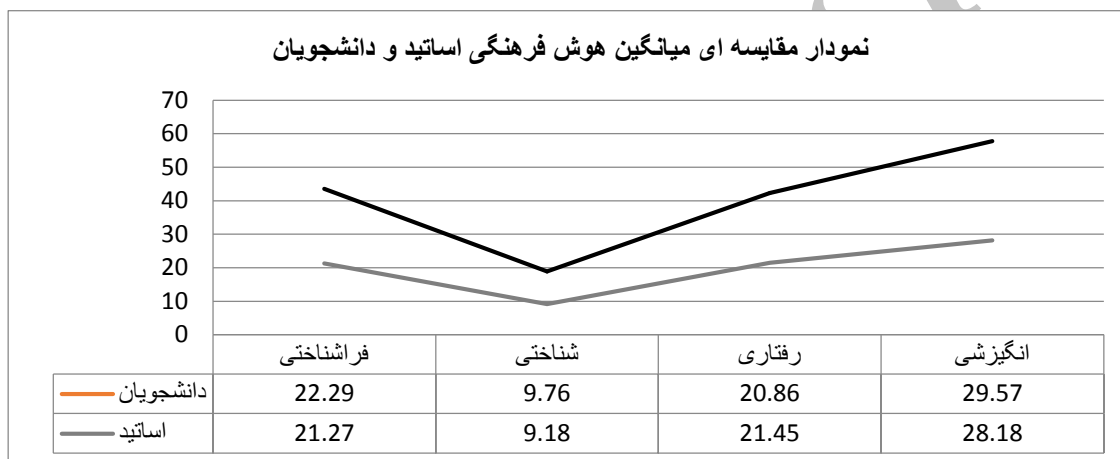




جدول ۴. آزمون تی جهت بررسی تفاوت دو گروه اساتید و دانشجویان

مؤلفه‌ها	گروه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار تی	سطح معناداری
فراشناختی	استاد	۲۱/۲۷	۴/۴۰	۱۰۸	۰/۷۹	۰/۴۳
	دانشجو	۲۲/۲۹	۴/۰۲			
شناختی	استاد	۹/۱۸	۱/۸۳	۱۰۸	۰/۷۲	۰/۴۷
	دانشجو	۹/۷۶	۲/۵۶			
رفتاری	استاد	۲۱/۴۵	۳/۴۷	۱۰۸	۰/۳۶	۰/۷۱
	دانشجو	۲۰/۸۶	۵/۲۵			
انگیزشی	استاد	۲۸/۱۸	۲/۸۲	۱۰۸	۰/۷۷	۰/۴۳
	دانشجو	۲۹/۵۷	۵/۸۲			
کل	استاد	۸۲/۳۶	۹/۱۴	۱۰۸	۰/۴۸	۰/۶۲
	دانشجو	۸۴/۳۵	۱۳/۲۳			

نمودار مقایسه ای میانگین هوش فرهنگی اساتید و دانشجویان



**سوال دوم:** سهم هر یک از مؤلفه‌های هوش فرهنگی در کتب درسی رشته مطالعات اجتماعی به چه میزان است؟ به منظور پاسخ به این سوال از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد. ابتدا شاخص‌ها بر اساس تعریف عملیاتی از هوش فرهنگی مشخص گردید. سپس، به منظور جمع آوری اطلاعات و استخراج هر چه بهتر این شاخص‌ها از میان کتب درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، مجموع این شاخص‌ها را با توجه به مؤلفه‌های چهار گانه هوش فرهنگی در چهار مقوله دسته بندی شده و سپس کدگذاری گردیده است.

به منظور بررسی هریک از این مقوله‌های در کتب درسی رشته مطالعات اجتماعی، واحد تحلیل در نظر گرفته شده است که در این پژوهش واحد تحلیل کلمات و عباراتی می‌باشند که شاخص‌هایی مرتبط با هوش فرهنگی و چهار مؤلفه آن شامل انگیزش، شناخت، فراشناخت و رفتار را پوشش می‌دهند.

جمع آوری اطلاعات با طراحی جداول میزان فراوانی توجه به شاخص‌های هوش فرهنگی و فراوانی توجه به هریک از مقوله‌های هوش فرهنگی (جدول فهرست واری) با استفاده از کدگذاری استخراج شد.



جدول ۵. نتایج شاخص های بدست آمده مرتبط با هوش فرهنگی در کتب درسی رشته مطالعات اجتماعی (فهرست واری)

ردیف	نام کتاب	نتایج و فراوانی شاخص ها
۱	تغییرات اجتماعی	فرهنگ (۲)، ارتباط فرهنگی (۱)، تساهل (۱)، مشارکت (۳)، ارزش فرهنگی (۲)، عوامل فرهنگی (۴).
۲	مبانی ارتباطات اجتماعی	فرهنگ (۷)، ارتباط فرهنگی (۱)، مشارکت (۲)، تفاوت فرهنگی (۱)، انگیزه (۲).
۳	آسیب شناسی اجتماعی	فرهنگ (۲۲)، ارتباط فرهنگی (۱)، و مشارکت (۳)، تعامل فرهنگی (۵)، ارزش فرهنگی (۲)، انگیزه (۲)، ذهن باز (۱).
۴	نظریه های جامعه شناسی	فرهنگ (۳۸)، مشارکت (۳)، خلاقیت فرهنگی (۱)، سازگاری (۱۲)، فرهنگ پذیری (۱)، حدود فرهنگی (۱)، تعادل اجتماعی (۱)، انطباق (۱)، اجتماعی شدن (۱)، نیاز اجتماعی (۱).
۵	روان شناسی اجتماعی	فرهنگ (۱۵)، انطباق (۳)، سازگاری (۲)، نیاز اجتماعی (۲)، تعامل غیر کلامی (۴)، کنجاوی (۲)
۶	جامعه شناسی خانواده	فرهنگ (۹)، انطباق (۳)، همکاری (۳).
۷	اصول علم سیاست	فرهنگ (۲۵)، مشارکت (۱)، نیاز اجتماعی (۱).
۸	جامعه شناسی توسعه	فرهنگ (۲۰)، مشارکت (۴۴)، تعامل بین المللی (۱)، یک پارچگی جهانی (۱)، بین فرهنگی (۱)، کنجاوی (۲)، شرایط فرهنگی (۱)، الگوی فرهنگی (۱)، دیدگاه فرهنگی (۱)، دانش محلی (۱)، سازگاری (۱) و انطباق (۱)، دانش فرهنگی (۱).

با دسته بندی کلمات بر اساس میزان فراوانی نتایج حاصله در جدول ۶ نشان داده شد.

جدول ۶. حوزه های مغفول، کم توجه، و مورد توجه هوش فرهنگی در برنامه های درسی

فراوانی	شاخص های معرف هوش فرهنگی	حوزه ها
صفر	انگیزش، همدلی، استدلال، حل مسأله، راه حل، برنامه ریزی، کنترل مجدد، نظارت، خود بازیابی، موازنه، محیط- ناآشنا، سعه صدر، مدارا و تحمل عقاید مخالف، پذیرش نظرات و عقاید، خرد جمعی، تفکر انتقادی، تحمل، انعطاف پذیری، اقیان، همدلی، نیاز اجتماعی، درک و فهم، تفکر واگرا، تفکر نقاد، نقد فرهنگی، سواد میان فرهنگی، عدم تعصب، فرهنگ خودی، انتقال فرهنگی، ارزش فرهنگی، موقعیت فرهنگی، شایستگی فرهنگی، الگوهای فرهنگی، آداب و رسوم، خرده فرهنگ، چند فرهنگی، تنوع قومی، شناخت احساسات و عواطف، خودآگاهی، سازش، جذب و انطباق، توافق، تعاون، تطابق، تعامل اجتماعی.	مغفول
یک	ذهن باز، خلاقیت فرهنگی، دانش فرهنگی، حدود فرهنگی.	کم توجه
بیش از دو	فرهنگ، ارتباط فرهنگی، تعامل میان فرهنگی، مشارکت، سازگاری.	مورد توجه

به منظور بررسی نتایج مقوله ها، نتایج شاخص ها در نظام کدگذاری در جدول ۷ آمده است.



جدول ۷. نتایج میزان توجه به مقوله‌های هوش فرهنگی در کتب درسی رشته مطالعات اجتماعی (کد ۱ تا ۴)

ردیف	نام کتاب	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۲	فراوانی کد ۳	فراوانی کد ۴	مجموع فراوانی کدها	تعداد کلمات نمونه ۲۵٪ کتاب
۱	تغییرات اجتماعی	۰	۸	۰	۵	۱۳	۲۳۲۵۰
۲	مبانی ارتباطات اجتماعی	۲	۷	۱	۳	۱۳	۱۳۰۰۰
۳	آسیب شناسی اجتماعی	۲	۲۴	۱	۹	۳۶	۱۳۶۴۰
۴	نظریه‌های جامعه‌شناسی	۱	۳۹	۳	۱۷	۶۰	۲۴۶۵۶
۵	روان شناسی اجتماعی	۲	۱۵	۰	۶	۲۳	۳۶۴۰۰
۶	جامعه‌شناسی خانواده	۲	۹	۰	۶	۱۷	۱۹۲۵۰
۷	اصول علم سیاست	۱	۲۵	۰	۱	۲۷	۱۶۸۴۸
۸	جامعه‌شناسی توسعه	۲	۲۵	۱	۴۸	۷۶	۱۶۰۰۰
۹	کل	۱۲	۱۵۲	۶	۹۵	۲۶۵	۱۶۳۰۴۴

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد؛ بیشترین فراوانی مؤلفه‌های هوش فرهنگی در کتابهای جامعه‌شناسی توسعه، نظریه‌های جامعه‌شناسی آسیب‌شناسی اجتماعی، اصول علم سیاست بود. با بررسی جدول ۸ مشخص گردید که به مؤلفه‌های هوش فرهنگی در مجموع، توجه متفاوتی شده است به طوری که بیشترین توجه به مؤلفه‌ی شناختی با فراوانی ۱۵۲، و مؤلفه رفتاری با فراوانی ۵۹ شده است و کمترین توجه به مؤلفه‌ی فراشناخت با فراوانی ۶ بود.

جدول ۸. بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هوش فرهنگی در برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان

کتاب	مؤلفه‌ها		مؤلفه انگیزشی		مؤلفه شناختی		مؤلفه فراشناختی		مؤلفه رفتاری		کل
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
کتاب درسی رشته مطالعات اجتماعی	۱۲	۴/۵۰	۱۵۲	۵۷/۳۰	۶	۲/۳۰	۹۵	۳۵/۹۰	۲۶۵	۱۰۰	

با بررسی و توجه به جدول ۸ مشخص می‌شود که مؤلفه‌ی فراشناختی با فراوانی ۶ (۲/۳۰ درصد)، کمترین توجه و مؤلفه‌ی شناختی با فراوانی ۱۵۲ (۵۷/۳۰) بیشترین توجه را به خود اختصاص داد. با استفاده از آزمون آزمون خی دو رابطه معناداری در سطح  $P < 0.01$  به دست آمد. در نتیجه کتب رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان توجه خاصی به مؤلفه شناختی و رفتاری داشتند.

$$\chi^2 = 222, df = 3, sig = P < .001$$

سوال سوم: تأثیر تعاملی جنسیت و سال تحصیلی دانشجویان بر میزان هوش فرهنگی چگونه است؟



منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
جنسیت	۱۴۶/۰۶۳	۱	۱۴۶/۰۶۳	۱/۹۶۵	۰/۳۳
سال	۴۹۹/۹۰۶	۱	۴۹۹/۹۰۶	۳/۳۰۴	۰/۰۷
جنسیت×سال	۲۱۰۲/۸۶۹	۱	۲۱۰۲/۸۶۹	۱۳/۸۹۹	۰/۰۱

### جدول ۹. تأثیر تعاملی جنسیت و سال بر هوش فرهنگی

تحلیل واریانس دو طرفه با جنسیت (دو سطح دختر و پسر) و سال تحصیلی (دو سطح سال اول و دوم) مورد بررسی قرار گرفت که در آن جنسیت معنادار نشد همچنین سال تحصیلی نیز معنادار نشد اما تعامل جنسیت و سال تحصیلی در سطح ۰/۰۱ معنادار گردید؛ به بیان دیگر تعامل جنسیت و سال تحصیلی تأثیر معناداری بر مؤلفه‌های هوش فرهنگی دارند.

سال تحصیلی	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد
سال اول	دختر	۸۴/۴۴	۹/۵۶
	پسر	۶۷/۱۷	۱۱/۰۸
سال دوم	دختر	۷۷/۴۴	۹/۱۷
	پسر	۸۷/۸۶	۱۳/۰۹

### نتیجه گیری و بحث

۱- با توجه به نتایج پژوهش حاضر مشخص گردید هوش فرهنگی اساتید و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان تقریباً مساوی بود و تفاوت معناداری بین این دو گروه مشاهده نگردید؛ نتایج این تحقیق هم راستا با تحقیق مشبکی و راموز (۱۳۸۵) بود. حال این سؤال پیش می‌آید که با توجه به نقش راهبری اساتید در دانشگاهها خصوصاً در دانشگاه فرهنگیان، چرا میزان هوش فرهنگی آنان در مقایسه با دانشجویان، در سطح تقریباً یکسانی قرار دارد؟ شاید بتوان گفت که اساتید و معلمان نیز پرورش یافته همین نظام تربیتی هستند که در آن بر پرورش هوش فرهنگی تأکید ندارد و از این رو نگرش آنها نیز همانند دانشجویان خویش می‌باشد.

از طرفی، شاید این مطلب را بتوان ناشی از تلقی ایدئولوژیک از درس مطالعات اجتماعی که منجر به فاصله گرفتن این درس از رسالتش که همانا پرورش و بسط تفکر انتقادی و احترام به دیدگاههای واگرا می‌باشد و نیز انتظار اندک والدین از درس مطالعات اجتماعی و توجه بیشتر آنها به دروسی همچون ریاضی و پرورش هوش منطقی-ریاضی که تجلی آن را در مدارس تیز هوشان می‌توان مشاهده نمود، توجیه کرد. از طرفی متمرکز بودن نظام برنامه درسی در ایران خود مزید علت عدم توجه به هوش فرهنگی در میان اقشار تحصیل کرده است. از این رو شاید تأکید بر پرورش هوش فرهنگی گامی هر چند کوچک در راستای غلبه بر هژمونی مهارت‌های شناختی در نظام تربیتی موجود باشد.

۲- با نگاهی به حوزه‌های مغفول و کم توجه هوش فرهنگی، نتایج حاکی از بی‌توجهی به مؤلفه‌های فراشناخت و انگیزش در کتب درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان کشور داشت. نتایج تحقیقات گذشته در بررسی کتب درسی مطالعات اجتماعی ابتدایی و متوسطه نشان می‌دهد که میزان توجه به علائق و نیازهای دانش آموزان در حد متوسط و روبه پایین می‌باشد (صادقی جولاء، ۱۳۷۴ و کاظم پور غفاری، ۱۳۸۸). و میزان توجه به نیازهای فردی و اجتماعی دانش آموزان در این کتب در حد کفایت نیست و میزان کافی فرصت مناسب برای فعالیت های اجتماعی خارج از کلاس برای دانش آموزان ایجاد نگردیده است (نارمنجی، ۱۳۸۰)؛ که این امر نشان از ضعف پایه‌ای در برنامه های درسی و عدم توجه به همه‌ی ابعاد هوشی و اجتماعی و



رفتاری دانش آموزان، در این کتب دارد. اما در مهمترین تحقیق همراستا با نتایج این پژوهش که توسط عراقیه و همکاران (۱۳۸۸) و فتحی و اجارگاه (۱۳۸۶) انجام گرفت مشخص گردید که برنامه درسی آموزش عالی کشور نسبت به سیاست های قومی و چندفرهنگی مغفول است و در این زمینه راهبردی ندارد که این امر موجب مشکلاتی از جمله عدم چالاکی برنامه درسی ایران در بستر بین المللی کردن آن ایجاد کرده است.

شناخت جامعه چندفرهنگی، آشنایی با اقوام و فرهنگهای مختلف کشور و جهان، پرورش یادگیرندگان با روحیه نقادی از اهداف مطالعات اجتماعی است که می تواند زیر مجموعه هایی مهم در مباحث برنامه درسی مطالعات اجتماعی باشد (موسی پور، ۱۳۸۵). عصر توسعه پدیده جهانی شدن، همراه با تحول خاص در دنیای کار (عارفی، ۱۳۸۳) طبیعتاً ایفای نقش مؤثر در این محیط (پدیده جهانی شدن) منوط به ایجاد تغییرات لازم در برنامه های درسی است (دهقان، ۱۳۸۰).

از طرفی تسلط فرهنگ خودی به هنگام تدوین برنامه های درسی که خود ناشی از محیط فرهنگی خاصی است که افراد در آن بزرگ می شوند؛ می توان از علل دیگر این نقطه ضعف در برنامه درسی باشد که موجب اثر سلطه ی فرهنگ خودی، برنامه سازان درسی به ادراک انتخابی موضوعات می پردازند که خود منجر به انتظارات کلیشه ای و اسنادهای نادرست در این افراد و حتی مسئولین ناظر می گردد. از این رو تغییر پارادایم برنامه درسی مطالعات اجتماعی از شناخت شناسی "ژنتیکی" به شناخت-شناسی "فرهنگی" در راستای بسط تعاون و همدلی و درک سایر فرهنگها یکی از اولویتهای امروز جامعه ایران باشد.

۳- یافته ها حاکی از تاثیر تعاملی بین جنسیت و سال تحصیلی بود. به این شکل که با ورود دانشجویان پسر به ترم های تحصیلی بالاتر میزان هوش فرهنگی آنان بیشتر و برای دانشجویان دختر کمتر شد. به نظر می رسد که در برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، از پسران انتظار بیشتری برای تعاملات فرهنگی به نسبت به دختران دارد. همچنین نقش منفعلانه تری برای دانشجویان دختر در جهت ارتباطات بین فرهنگی قائل است.

### منابع فارسی

۱. استیری، داوود (۱۳۷۴). «برنامه ریزی درسی، خلاصه مقالات...». اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران.
۲. اسفنجانی، اعظم (۱۳۸۷). «مقایسه کتابهای درسی علوم ایران آمریکا و انگلستان از نظر میزان توجه به مهارتهای گوناگون در پژوهش»، فصل نامه ی مطالعات برنامه درسی، سال دوم، ش ۸.
۳. پاشا شریفی، حسن. (۱۳۷۶). نظریه و کاربرد آزمون های هوش شخصیت. تهران: انتشارات سخن.
۴. پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۴). روان شناسی هوش و سنجش آن. تهران: انتشارات پیام نور، چاپ ششم.
۵. تسلیمی، محمد سعید. قلی پور، آرین. فریدون، وردی نژاد. من آل آقا، میترا. (۱۳۸۸). «راهنمای راهکارهایی برای ارتقاء هوش فرهنگی مدیران دولتی در امور بین المللی»، پژوهش های مدیریت، سال دوم، شماره چهارم.
۶. حمیدی، فریده و ابراهیم دماوندی، مجید و دهنوی، الهام (۱۳۹۱). «رابطه هوش فرهنگی و سواد کامپیوتری معلمان با سبک مدیریت کلاسی آنان»، فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال سوم، شماره اول.
۷. دهقان، محمود. (۱۳۸۰). «نظام واحد جهانی، از رویا تا حقیقت»، روزنامه اطلاعات، ۲۰ دی.
۸. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی. (۱۳۸۳). ویژگی های کتاب های آموزشی، راهنمای تولید کتاب های آموزشی برای ناشران نویسندگان و معلمان مؤلف، دفتر انتشارات کمک آموزشی، ویژه آموزش مطالعات اجتماعی.
۹. سسیل نورث، داگلاس (۱۳۷۹). ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، (ترجمه غلامرضا آزاد برمکی). تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۸۱).
۱۰. سیف، علی اکبر (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: انتشارات آگاه.
۱۱. صادقی جولای، رضا. (۱۳۷۴). «بررسی نظرات دبیران و دانش آموزان نسبت به محتوای کتاب دانش اجتماعی سال اول نظام جدید آموزش متوسطه در شهرستان دزفول» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۱۲. عارفی، م. (۱۳۸۳). «بررسی برنامه های درسی رشته علوم تربیتی در آموزش عالی ایران و راهکارهایی برای بهبود آن»، رساله دکتری برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس.



۱۳. عسکری، خانقاه اصغر و محمد کمالی، شریف (۱۳۷۸). انسان شناسی عمومی. تهران: انتشارات سمت.
۱۴. عراقیه، علی رضا؛ فتحی و اجارگاه کوروش. فروغی ابری، احمد علی و فاضلی، نعمت الله. (۱۳۸۸). «تلفیق، راهبردی مناسب برای تدوین برنامه‌ی درسی چندفرهنگی»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۶۵.
۱۵. فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۸۶). برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید، ج ۱، تهران: انتشارات آبیژ.
۱۶. فروید، زیگموند (۱۳۸۷). تمدن و ناخرسندیهایش، (ترجمه محمد مبشری). تهران: نشر ماهی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۳۰).
۱۷. فروید، زیگموند (۱۳۸۳). چرا جنگ؟، (ترجمه خسرو ناقد). تهران: نشر آبی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۳۲).
۱۸. کاظم پور، اسماعیل و غفاری، خلیل. (۱۳۸۸). «ارزشیابی برنامه‌ی درسی اجرا شده‌ی درس مطالعات اجتماعی آموزش متوسطه شاخه‌ی نظری، با استفاده از مدل سه بعدی روبیتایل». فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، سال دوم، شماره سوم.
۱۹. کاظمی، معصومه (۱۳۸۷). «ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد جامعه المصطفی العالمیه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: مجتمع آموزش عالی قم.
۲۰. کونگ، هانس. (۱۳۸۹). اخلاق جهانی ضرورت جامعه جهانی. (ترجمه سید حسین شرف الدین). مجله معرفت اخلاقی شماره ۵.
۲۱. مارنات، گری گرات. (۱۳۷۳). راهنمای سنجش روانی. (جلد اول). ترجمه حسن پاشا شریفی و محمد رضا نیکخو، تهران: انتشارات رشد.
۲۲. مشیکی، اصغر؛ نجمه، راموز. (۱۳۸۵). «هوش فرهنگی اکسیر موفقیت مدیران در کلاس جهانی»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران، گروه پژوهشی آریانا.
۲۳. موسی پور، ن. (۱۳۸۵). مبانی برنامه ریزی آموزش متوسطه. ج ۲، تهران: پیام اندیشه.
۲۴. نائیچی، محمود؛ عباسعلی زاده، منصوره (۱۳۸۶). «هوش فرهنگی: سازگاری با ناهمگون‌ها». ماهنامه ی تدبیر، شماره ۱۴۱، سال هجدهم.
۲۵. نارمنجی، صدیقه. (۱۳۸۰). «ارزشیابی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان نظام جدید آموزش متوسطه از دیدگاه دانش آموزان و نظرات دبیران شهرستان بیرجند». پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم تهران.

#### منابع انگلیسی

۱. Ang, S., Dyne, L.V. (۲۰۰۸). Conceptualization of cultural intelligence. In Soon Ang and Linn Van Dyne (Eds.). Handbook of cultural intelligence theory, measurement and application (pp. ۳-۱۵). New York: M.E. Sharpe, Inc.
۲. Ang, Soon & Dyne, Line Van & Koh Christine. (۲۰۰۶). "Personalit Correlates of the For – Factor Model of Cultural Intelligence". Group & Organization Management. Vol ۳۱ No.۱. pp ۱۰۰-۱۲۳.
۳. Apple, Michael W. (۲۰۰۴). Ideology and Curriculum (Third Edition). London, Routledge Falmer.
۴. Bent, R & Unruh, A. (۱۹۶۹). Secondary School Curriculum. Boston. Publisher Heath.
۵. Benton, Graham - Lynch, Timothy. (۲۰۰۹). "Globalization cultural Intelligence and Maritime Education", California State University.
۶. Clare, V. B. (۲۰۰۸). Cultural diversity and white teacher scaffolding of student self – regulated learning in Algebra classes . M.A. thesis Ohio University.
۷. Erez, M., & Earley, P.C. (۱۹۹۳). Culture, self-identity, and work. New York: Oxford University Press. intelligences, Business Horizons, ۴۸(۶), ۵۰۱-۵۱۲.
۸. Elfand, M.J., Erez, M., & Aycan, Z. (۲۰۰۷). Cross-cultural organizational behavior. In Fiske, D.L.
۹. Earley P.C & Ang s. (۲۰۰۳). "Cultural Intelligence : indivisual interaction across cultures Stanford", CA . Stanfords Business Books.



۱۰. Earley P.C & Mosakowski J. (۲۰۰۴). "Cultural Intelligence" Harvard Business Review , October, pp ۱۳-۲۵.
۱۱. Early, P. C., & Peterson, S. R. (۲۰۰۴). The elusive cultural chameleon: Cultural intelligence as a new approach to intercultural training for the global manager. Academy of Management Learning and Education, vol.۳, No.۱, pp ۱۰۰-۱۱۵.
۱۲. Evans, k, Fitton, A and Hildebrand, J. (۲۰۰۶). Socila studies world culture. Department of education. Atlantic Canada social studies curriculum.
۱۳. Herrmann, E , Call, J , Lloreda, M & Tomasello, M. (۲۰۰۷). Human have evolved specialized skills of social cognition: the cultural intelligence hypothesis. Science. Vol. ۳۱۷, no. ۵۸۴۳, pp. ۱۳۶۰-۱۳۶۶.
۱۴. Harrison. A and Bramson. R. (۲۰۰۲). The art of thinking. Berkely Publishing Group.
۱۵. Piaget, J. (۱۹۷۰). Genetic epistemology. Columbia university press.
۱۶. Peterson B. (۲۰۰۴). "Cultural intelligence: A guide to working with people from other cultures" . Yurmouth, ME . Intercultural Press.
۱۷. Tan, Joo-seng. (۲۰۰۴). "Cultural Intelligence and the Global Economy" LIA, vol ۲۴, numbers ۵, pp ۱۹-۲۱.
۱۸. Thomas, D. C. (۲۰۰۶). "Domain and development of cultural intelligence: The importance of mindfulness". Group & Organization Management, ۳۱(۱) , pp. ۷۸-۹۹.
۱۹. Van Dyne, L. & Ang, S. (۲۰۰۸). The Sub-Dimensions of the Four Factor Model of Cultural Intelligence. Technical Report. Cultural Intelligence Center.
۲۰. Sternberg, R. J., & Detterman, D. K. (Eds.). (۱۹۸۶). *What is intelligence? Contemporary viewpoints on its nature and definition*. Norwood, NJ: Ablex.
۲۱. Sternberg, R. J. (۱۹۹۹): "The theory of successful intelligence." Review of General Psychology, ۳, ۲۹۲-۳۱۶.
۲۲. Sternberg, Robert J., ed. (۲۰۰۰). Handbook of Intelligence. Cambridge: Cambridge University Press. ISBN ۹۷۸-۰-۵۲۱-۵۹۶۴۸-۰.
۲۳. Feola, F. J. (۲۰۰۹). Culturally responsive professional development through conceptual change: A case study of substitute teachers in urban school districts. M.A. thesis, Cleveland state University.

### Evaluation of Cultural intelligence in teacher education social studies curriculum

Dr. Nasser Noushadi

Roham Rostami

Yasouj University

#### Abstract

This study assessed the cultural intelligence in social studies curriculum. The study population consisted of all students and university professors in the field of social studies as well as all the books in this series. Sample included ۱۱۰ students (۲۹ girls and ۸۱ boys) and ۱۱ university professors of social studies in the Fars province and ۸ books specialized in this field.

Cultural Intelligence Scale for evaluation of professors and students of Early and Ang (۲۰۰۳) was used. The textbooks were analyzed with quantitative content analysis.

The results of this study are as follows:



- A. no significant difference between the students and professors at the Cultural Intelligence.
- B. the interaction of gender and school years have a significant effect on the cultural intelligence factors
- C. the highest frequency component of cultural intelligence in social change, social pathology, social communication principles and theories of sociology.

**Keywords:** Teacher Education College, Curriculum , Cultural Intelligence.

Archive of SID